با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

زباله‌های خشک باید منبع درآمد شهرها باشند

روزانه هزاران تن زباله خشک راهی سطل‌های زباله می‌شود و تنها درصد کمی از آن توسط زباله‌گردها جمع‌آوری می‌شود. جدا از اینکه بازیافت این زباله‌ها به محیط‌زیست کمک شایان توجهی می‌کند، منبع درآمد بسیار خوبی هم هست. جا دارد اطلاع‌رسانی و فرهنگسازی بیشتری در این زمینه صورت گیرد و مسئولان شهری در این خصوص برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشند.

مروتی از مشهد

اقامت کارتن‌خواب‌ها و معتادان متجاهر در خیابان دماوند دردسرساز شده است

بیش از یک‌سال است که تعدادی کارتن‌خواب و معتاد در کوچه نمازی منطقه قاسم‌آباد خیابان دماوند، به‌طور دائم اقامت کرده‌اند و محل اقامتشان هم فاصله کمی با یک دبیرستان پسرانه دارد. عبورومرور دانش‌آموزان به‌خصوص خانم‌ها به‌طور مرتب از کنار این افراد، موجب نگرانی والدین و اهالی کوچه شده است. بارها به مراجع مختلف ذی‌صلاح مراجعه کرده‌ایم اما هیچ نتیجه‌ای نداده است و کماکان این افراد داخل کوچه حضور دارند.

خوش‌ذات

شهرک‌های عدالت و طبیعت شهرستان جیرفت سطل زباله ندارند

نبود سطل زباله در شهرک‌های عدالت و طبیعت شهرستان جیرفت اهالی را کلافه کرده است. زباله‌ها در نقاط مختلف کوچه و خیابان دپو شده و محل تجمع حشرات و انتشار بوی نامطبوع هستند. جدا از نازیبا شدن چهره شهرک‌ها، ادامه این روند باعث شیوع انواع بیماری‌ها می‌شود. از شهرداری جیرفت تقاضای رسیدگی فوری به این وضعیت را داریم.

عسگری از جیرفت

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

پارک جوانمردان نیاز به مرمت و رسیدگی فوری دارد

چندوقتی است که رسیدگی به پارک‌ها کمتر شده است. پارک جوانمردان از لحاظ نور و معابر بسیار کم‌نور و ترسناک شده، اکثر آلاچیق‌ها غیرقابل‌اقامت و خراب هستند و چراغ‌های آنها و اطراف‌شان شکسته است. شب‌ها فضای تاریک پارک بسیار مناسب فعالیت اراذل و معتادان است و حیف است که این گنجینه ارزشمند طبیعی در دل شهر تهران به این وضع رها شود. لطفا مسئولان به وضع پارک رسیدگی کنند.

رضازاده از تهران

منفعت‌طلبی‌های محتکران و دلالان بیش از تحریم در اقتصاد تأثیر منفی دارند

درست است که تحریم‌های ظالمانه غرب در وضع اقتصادی کشور بسیار مؤثر است اما تأثیر منفعت‌طلبی‌های ناجوانمردانه بعضی دلالان و محتکران چه‌بسا بیشتر از تحریم باشد. در این مسیر با عنایت به سیاست کلان کشور اقتصاد مقاومتی و ایستادگی مقابل گرانفروشان و محتکران تمام موانع را برطرف می‌کند به‌شرط آنکه مسئولان با نظارت بر همه امور مدیریت داشته باشند.

حکیمی از تهران

خودروهای ارزان‌قیمت خارجی را وارد کنند

مسئولان طرح واردات خودرو در وزارت صمت می‌گویند که ما خودروهای خارجی ارزان‌قیمت را به‌دلیل کیفیت پایینی که دارند وارد نمی‌کنیم اما این سؤال مطرح است که یعنی کیفیت خودروهای ارزان خارجی از پراید و پژو کمتر است؟ مقایسه‌ای تصویری با حضور کارشناسان انجام دهند و اثبات کنند که خودروهای ارزان خارجی بی‌کیفیت‌تر از تولیدات داخلی هستند.

حبیب از مشهد

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پویش سراسری جمله کوتاه به افراد بدحجاب راه‌بیندازید

به‌منظور تذکر لسانی که وظیفه‌ای است همگانی، لطفا یک پویش سراسری ۸۰میلیونی راه بیندازید که در آن، هر ایرانی مسلمان یک جمله کوتاه و تأثیربخش را که از قبل مشخص و هماهنگ کرده است خطاب به بانوی مکشوفه حجاب بیان کند، البته با مهربانی و ادب و صراحت. این کار هماهنگ، اثرات خوب و باورنکردنی‌ای خواهد داشت.

عسگری از تهران

مسکن مهر شهرک ابریشم همچنان بلاتکلیف است

قصه مسکن مهر شهرک ابریشم واقع در کیانمهر کرج قصه‌ای است قدیمی که شاید اصلا به گوش مسئولان ناآشنا شده باشد. از سال ۸۹ تاکنون کل هزینه‌های ثبت‌نام و اقساط را واریز کرده‌ایم و با پیمانکار هم قرارداد بسته شده ولی نه تاکنون اقدامی بابت جانمایی شده و نه انتقال سند صورت گرفته است.

حسن باقری از کرج

خبر ثابت ماندن قیمت بنزین از تورم بیشتر پیشگیری می‌کند

اعلام خبر ثابت ماندن قیمت بنزین در سال ۱۴۰۲ خبری خوشایند و اقدامی قاطع در جلوگیری از پیشروی تورم در سال آینده است که اگر بتوانند آن را قطعا اجرایی کنند بی‌شک می‌توان سیر صعودی قیمت‌های دیگر کالاها و اقلام ضروری را هم متوقف کرد.

غفرانی از تهران

کمبود پلیس راهنمایی و رانندگی در محله خانه اصفهان

حضور نیروهای زحمتکش پلیس در هر منطقه و محله می‌تواند آرامش‌بخش بوده و در برقراری امنیت و آسایش همشهریان بسیار مؤثر باشد. متأسفانه مدت‌هاست کمبود پلیس راهنمایی و رانندگی در شهرک و محله خانه اصفهان احساس می‌شود. محله ویلا در چهارراه بنفشه شمالی در خیابان گلستانه حتی یک پلیس ندارد.

محمود بلیغیان از اصفهان

سارقان پیش از فروش الماس ۱۰قیراطی به دام پلیس افتادند

راز دزدان الماس میلیاردی در دوربین مخفی

پلیس آگاهی

۴سارق نقابدار با از کار انداختن دوربین‌های مداربسته و سیستم امنیتی وارد دفتر تاجر پوشاک شدند تا نقشه سرقتی میلیاردی را عملی کنند. آنها با خیال راحت و برداشتن نقاب‌هایشان به سراغ گاوصندوقی رفتند که یک قطعه الماس ۲,۵میلیارد تومانی داخل آن بود، غافل از اینکه یک دوربین مخفی در حال ضبط کردن همه رفتار آنهاست.

به گزارش همشهری، شانزدهم آبان ماه کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در جریان دستبرد میلیاردی به دفتر یک تاجر پوشاک در بازار تهران قرار گرفتند.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: سال‌هاست که در صنف پوشاک فعالیت دارم و دفترم واقع در انباری است که هزاران جین لباس در آنجا نگهداری می‌شود.

وی ادامه داد: امروز صبح (۱۶آبان) مانند همیشه به محل کارم رفتم اما به محض ورود با صحنه عجیبی مواجه شدم. وسایل دفتر بهم‌ریخته بود و به‌نظر می‌رسید که دزدان به آنجا دستبرد زده‌اند.

آنها کاملا حرفه‌ای بودند. به راحتی در ورودی را باز کرده بودند و در دوم را هم با دیلم تخریب کرده بودند. آنها علاوه بر سرقت چند هزار جین لباسی که در انبار بود، گاوصندوق کوچکی که در دفترم وجود داشت را نیز با خود برده بودند. داخل گاوصندوقم، یک قطعه الماس ۱۰قیراطی نتراشیده به ارزش ۲میلیارد و ۵۰۰میلیون تومان، ۵۰میلیون تومان پول نقد، ۷۰فقره چک مشتری و و لوازم با ارزش دیگری مانند اسناد و مدارک بود که سرقت شده بود. وی گفت: ارزش پوشاکی که سرقت شده نیز حدود یک میلیارد و ۵۰۰هزار تومان است.

دوربین مخفی

با این شکایت، گروهی از کارآگاهان پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران به دستور دادیار شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴تحقیقات برای کشف اسرار این سرقت بزرگ را آغاز کردند. در ابتدا تیم تحقیق راهی محل سرقت شدند و با انجام بررسی‌ها معلوم شد که دزدان به راحتی توانسته بودند دوربین‌های مداربسته مغازه و دفتر شاکی را از کار بیندازند اما به گفته مرد تاجر، داخل دفترش یک دوربین مخفی نیز وجود داشت که قابل رویت نبود.

ظاهرا سارقان فکر اینجا را نکرده بودند، تصاویر ضبط شده در دوربین مخفی نشان می‌داد، دزدان پس از آنکه دوربین مداربسته را از کار انداختند، با خیال راحت نقاب و ماسک‌هایشان را برداشتند و شروع به جست‌وجو در دفتر کار مرد تاجر کرده بودند. آنطور که تصاویر نشان می‌داد دزدان با این محل آشنایی داشتند و حتی می‌دانستند گاوصندوق شاکی کجاست. با این حال شاکی پس از مشاهده فیلم گفت که هیچ‌کدام از آنها را نمی‌شناسد. او می‌گفت روزانه افراد زیاد به انبار و مغازه‌اش رفت‌وآمد دارند و چهره همه آنها را به یاد ندارد.

دستگیری پیش از معامله

با به‌دست آمدن تصویر چهره سارقان و ادامه بررسی‌ها، یکی از آنها به نام مرتضی شناسایی شد. وی پیش از این به اتهام سرقت زندان رفته و سابقه‌دار بود. با این سرنخ پاتوق‌های احتمالی متهم زیرنظر گرفته شد تا اینکه کارآگاهان متوجه شدند مرتضی قصد فروش الماس میلیاردی را دارد. تحقیقات نشان می‌داد که وی چند سالی در بازار تهران به‌کار باربری مشغول بوده و به همین دلیل با دفتر و انبار شاکی آشنایی کامل داشته است.

در ادامه تحقیقات، تیم تحقیق راهی مخفیگاه این مرد شد و او را در یک عملیات ضربتی و پیش از فروش الماس میلیاردی دستگیر کرد. او پس از انتقال به اداره آگاهی اعتراف کرد که با همدستی ۳نفر از همشهریانش که آنها هم در بازار باربری می‌کردند نقشه دستبرد به دفتر و انبار تاجر پوشاک را عملی کرده است. با راهنمایی وی همدستانش نیز دستگیر شدند و مأموران در بازرسی مخفیگاه اعضای این گروه، گاوصندوق سرقت شده به همراه الماس میلیاردی و مقدار زیادی از لباس‌های سرقتی را کشف کردند.

فروش لباس‌های مسروقه در فضای مجازی

متهمان در بازجویی‌ها به سرقت از دفتر و انبار مرد تاجر اعتراف کردند و مرتضی، سرکرده باند گفت: ما اهل یکی از شهرهای جنوب غربی ایران هستیم و مدتی قبل برای کار به پایتخت آمدیم. در جست‌وجوی کار مناسب بودیم تا اینکه تصمیم گرفتیم در بازار تهران باربری کنیم. وی ادامه داد: چند روز قبل از اینکه تصمیم به سرقت بگیریم، یک‌بار پوشاک برای شاکی به محل کارش بردیم و تحویل او دادیم. آن روز همه جا را نگاهی انداختیم و فهمیدم که شاکی وضع مالی خیلی خوبی دارد. او سال‌ها بود که در صنف پوشاک فعالیت داشت و هر روز انبارش را پر از جنس می‌کرد. آن روز وقتی برای لحظه‌ای وارد دفتر وی شدم، چشمم به گاوصندوق هم افتاد. با خودم گفتم که حتما داخل آن پول، دلار و اموال قیمتی وجود دارد. پس از آن چند روزی با خودمان کلنجار رفتیم تا اینکه تصمیم گرفتیم نقشه سرقت را عملی کنیم. ما می‌خواستیم به زندگی‌مان تکانی بدهیم و برای خانواده‌هایمان که در شهرستان زندگی می‌کردند پول بفرستیم. متهم گفت: نیمه‌های شب بود که راهی سرقت شدیم. البته از چند روز قبل آنجا را زیرنظر گرفته بودیم تا ببینیم دوربین‌های مغازه در کجا قرار دارد. علاوه بر این با ماسک و نقاب صورت‌هایمان را پوشانده بودیم که شناسایی نشویم.

سردسته باند ادامه داد: برای اجرای این نقشه شاه کلید هم تهیه کرده بودیم و در ورودی را با آن باز کردیم. سپس دوربین‌ها را تخریب کردیم و از کار انداختیم. بعد هم با خیال راحت ماسک و نقاب‌هایمان را برداشتیم غافل از اینکه هنوز یک دوربین مخفی وجود داشت که چهره ما در آن ضبط شده بود. پس از سرقت اموال سرقتی را به مخفیگاهمان بردیم و با تلاش فراوان موفق شدیم در گاوصندوق را باز کنیم. بخشی از لباس‌ها را در فضای مجازی آگهی کرده و فروختیم که حدود ۲۰۰میلیون تومان از فروش لباس‌های سرقتی گیرمان آمد. مرحله بعدی فروش الماس بود که با پیدا کردن مشتری می‌خواستیم با او قرار بگذاریم و معامله را انجام بدهیم که پلیس گیرمان انداخت.

کشف سرقت دیگر در بررسی تلفن همراه

متهمان اصرار داشتند که فقط همین یک مورد سرقت را انجام داده‌اند اما مأموران در بررسی تلفن همراه سرکرده باند عکسی از یک طاقه پارچه دیدند که روی آن شماره‌ای وجود داشت. به‌نظر می‌رسید متهم این عکس را گرفته تا آن را در سایت بارگذاری کرده و طاقه پارچه را بفروشد. از آنجا که احتمال می‌رفت این طاقه پارچه هم سرقتی باشد و متهمان آن را از انبار دیگری سرقت کرده باشند، مأموران به بررسی شماره تلفنی پرداختند که روی آن نوشته شده بود. آنها با این شماره تماس گرفتند و مردی که گوشی را برداشت، به مأموران گفت که مرداد ماه امسال، دزدان به انبار او در جنوب تهران دستبرد زده و چندین طاقه پارچه را سرقت کرده بودند. به گفته شاکی، ارزش پارچه‌هایی که از انبارش سرقت شده حدود یک میلیارد و ۵۰۰میلیون تومان بوده است. در این شرایط مأموران بازجویی از سارقان را از سر گرفتند و آنها که با مدارک و شواهد انکار ناپذیری روبه‌رو شده بودند ناچار شدند به این سرقت نیز اقرار کنند. آنها اعتراف کردند که پس از خالی کردن انبار پارچه، اموال مسروقه را به مالخری فروخته و مبلغ ۲۰۰میلیون تومان دریافت کرده بودند. براساس این گزارش، متهمان با قرار قانونی بازداشت شده‌اند و تحقیقات برای کشف جرایم احتمالی دیگر از سوی این گروه ادامه دارد.

دستگیری شیطان در پراید شیشه دودی

راننده پراید شیشه دودی که در نقش مسافرکش زنان جوان را ربوده و با تهدید، آنها را قربانی نقشه شومش کرده بود از سوی پلیس شهرستان میناب دستگیر شد.

به گزارش همشهری، چند روز پیش زنی سراسیمه و هراسان خود را به مأموران پلیس شهرستان میناب در استان هرمزگان رساند و گفت که به دام یک مرد شیطان‌صفت افتاده است.

او توضیح داد: برای رفتن به خانه‌ام کنار خیابان منتظر تاکسی بودم که یک خودروی پراید مقابلم توقف کرد.

وی ادامه داد: راننده مسیرم را پرسید و من هم به تصور اینکه مسافرکش است، سوار ماشین شدم اما به محض اینکه روی صندلی نشستم و در را بستم متوجه شدم درهای عقب ماشین دستگیره ندارند. از سوی دیگر شیشه‌های ماشین کاملا دودی بودند و همه اینها باعث شد که به ماجرا شک کنم. شاکی گفت: درست در همان لحظه بود که راننده درهای ماشین را قفل کرد و مطمئن شدم که نقشه شومی در سر دارد. از او خواستم توقف کند تا پیاده شوم اما وی به حرفم اعتنایی نکرد و با سرعت وارد خیابانی خلوت شد. در آن لحظه هر چه تلاش کردم موفق به باز کردن در یا پایین کشیدن شیشه‌ها نشدم. راننده تیغه چاقویی را که همراهش بود به سمتم گرفت و تهدید کرد که اگر سر و صدا کنم، مرا خواهد کشت. در آن لحظات شروع به التماس کردم و از او خواستم همه اموالم را بردارد اما مرا رها کند ولی وی اعتنایی به حرف‌هایم نکرد. لحظاتی بعد ماشین به محلی خلوت در نزدیکی جنگل‌های اطراف میناب رسید و مرد راننده درحالی که مرا تهدید به قتل می‌کرد، مورد آزار و اذیت قرار داد و گفت که اگر شکایت کنم، هرطوری شده پیدایم می‌کند و جانم را می‌گیرد. پس از آن نیز مرا همانجا رها کرد و متواری شد که با کمک یک خودروی عبوری خودم را به اداره پلیس رساندم تا از او شکایت کنم.

با شکایت این زن تحقیقات برای شناسایی و دستگیری مرد شیطان‌صفت آغاز شد. اینکه شیشه‌های ماشین دودی بود و متهم دستگیره‌های درهای عقب را برداشته بود نشان می‌داد که وی مجرمی مخوف است که احتمالا به‌صورت سریالی اقدام به ربودن زنان جوان کرده و آنها را قربانی نقشه شومش می‌کند.

در این شرایط بررسی‌های ویژه کارآگاهان برای ردگیری این مرد ادامه یافت و آنها با حضور در محلی که شاکی سوار ماشین شده بود و بررسی‌های تخصصی موفق شدند به اطلاعاتی از خودروی پراید سفید شیشه دودی دست پیدا کنند. سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی هرمزگان با بیان این خبر گفت: درحالی که کمتر از ۲۴ساعت از شکایت زن جوان گذشته بود، خودروی مورد نظر شناسایی شد و در ادامه مأموران موفق شدند مخفیگاه متهم را در یکی از محله‌های میناب شناسایی کنند. وی ادامه داد: این مرد در یک عملیات ضربتی دستگیر و پس از انتقال به اداره آگاهی از سوی شاکی شناسایی شد. هم‌اکنون نیز پرونده وی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفته و شاکیان احتمالی می‌توانند با اطمینان از اینکه نام و هویت‌شان نزد پلیس و مقام قضایی محفوظ خواهد ماند، برای شکایت و شناسایی متهم به اداره آگاهی میناب مراجعه کنند.

مرخصی مرگبار ۲زندانی

جنایی

پلیس در تعقیب مرد مسلحی است که در جریان جنایتی خونین ۲زندانی را که به تازگی با گرفتن مرخصی از زندان زاهدان خارج شده بودند به رگبار بسته و به قتل رسانده است.

به گزارش همشهری، این تیراندازی مرگبار چند روز قبل در منطقه منزلاب زاهدان اتفاق افتاد. آن روز ۲مرد جوان که به تازگی با گرفتن مرخصی از زندان خارج شده بودند سوار بر موتورسیکلت از خیابان عبور می‌کردند. آنها پس از آنکه چند ماه پیش به اتهام سرقت به زندان افتاده بودند، از چند روز قبل توانستند از زندان خارج شوند. همینطور که این دو جوان از منطقه منزلاب می‌گذشتند ناگهان از کنار خیابان به‌سوی آنها تیراندازی شد. راکب موتورسیکلت می‌خواست از مسیر شلیک گلوله‌ها فرار کند اما تیرانداز ناشناس که سوار بر یک دستگاه خودروی پژو بود، او و ترک‌نشین را هدف قرار داد و باعث شد آنها از روی موتورسیکلت روی زمین سقوط کنند.

زمانی که این حادثه اتفاق افتاد خیابان خلوت بود و افراد زیادی در آنجا حضور نداشتند اما آنطور که در تحقیقات معلوم شد تیرانداز یک نفر بود که در کمین این دو موتورسوار نشسته بود. او بعد از هدف قرار دادن آنها بالای سرشان رفت و از داخل لباس یکی از آنها یک کلت کمری برداشت و از آنجا گریخت.

به‌دنبال وقوع این جنایت اجساد قربانیان به پزشکی قانونی منتقل و تحقیقات برای روشن شدن انگیزه این قتل آغاز شد. شواهد به‌دست آمده حاکی از آن بود که مقتولان چند هفته قبل با سپردن وثیقه از زندان خارج شده بودند. یکی از آنها از مدتی قبل با مردی که اهل ایرانشهر بود دچار اختلاف شده بود و در این مدت این مرد آنها را تهدید به قتل کرده بود. در مدتی که این دو نفر زندانی بودند دست این مرد برای عملی کردن تهدیدهایش به آنها نمی‌رسید تا اینکه در مدت کوتاهی که از آزادی آنها از زندان زاهدان می‌گذشت سرانجام او توانست نقشه قتل را عملی کند.

سرهنگ خدارحم فروغی، سرپرست فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان در این‌باره گفت: با به‌دست آمدن اطلاعات اولیه و شناسایی مظنون این پرونده، مأموران پلیس آگاهی تلاش‌های خود برای دستگیری عامل این جنایت را آغاز کرده‌اند.

پایان خوش گروگان‌گیری یک میلیارد تومانی

۲مرد مسلح که با ربودن جوانی برای آزادی‌اش یک میلیارد تومان باج‌خواهی کرده بودند، دستگیر شدند و تلاش‌ها برای دستگیری همدست‌شان که به خارج از کشور گریخته، ادامه دارد. به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از روز ۹آبان ماه امسال با گزارش خانواده مردی جوان مبنی بر مفقود شدن وی به پلیس آگاهی سنندج آغاز شد. آنها گفتند پسر جوان یکباره مفقود و گوشی موبایلش خاموش شده است. هنوز به درستی معلوم نبود که مرد جوان به چه سرنوشتی دچار شده، اما بررسی حساب بانکی‌اش نشان می‌داد که پس از ناپدید شدن او مبلغ ۲۰۷میلیون تومان از حساب بانکی‌اش برداشت شده است. این موضوع ماجرا را از آنچه مأموران فکر می‌کردند پیچیده‌تر کرد چرا که احتمال داشت او ربوده شده باشد و تحت فشار آدم‌ربایان از حسابش پول برداشت کرده باشد. چند روز از مفقود شدن جوان سنندجی می‌گذشت و تحقیقات در این‌باره ادامه داشت تا اینکه خانواده جوان مفقود شده بار دیگر به پلیس آگاهی رفتند و این بار با قاطعیت ادعا کردند که فرزندشان ربوده شده است. آنها گفتند که فرد ناشناسی با آنها تماس گرفته و با اعلام اینکه پسر جوان در اختیار او و دوستانش است برای آزادی او ۸۰۰میلیون تومان پول خواسته است. آنها مثل اغلب آدم‌ربایان تهدید کرده بودند نباید پلیس از این ماجرا بویی ببرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن باید این مبلغ به آنها پرداخت شود. هرچه می‌گذشت کارآگاهان به اطلاعات تازه‌تری در این‌باره دست پیدا می‌کردند و گام به گام به آدم‌ربایان نزدیک‌تر می‌شدند تا اینکه به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد آنها ۳نفر هستند و از گروگان‌شان در مریوان نگهداری می‌کنند. در این شرایط تیمی از مأموران در عملیاتی ضربتی توانستند ضمن دستگیری یکی از آدم‌ربایان در مریوان، جوان ربوده شده را آزاد کنند. آنها همچنین در عملیات دیگری، یکی دیگر از متهمان را که به یکی از شهرهای شمالی گریخته بود، دستگیر کردند. بررسی‌ها درباره سومین متهم نشان می‌دهد که او پس از برملا شدن ماجرای آدم‌ربایی به خارج از کشور گریخته است. سرهنگ عبدالله فاتحی، رئیس پلیس آگاهی استان کردستان گفت: در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه اسلحه کمری، چاقو، اسپری، شوکر و داروهای بیهوشی کشف شد و فرد ربوده شده آزاد و در سلامت کامل به خانواده‌اش تحویل داده شد. به گفته او تلاش‌ها برای دستگیری سومین متهم در خارج از کشور آغاز شده است.

کوتاه از حادثه

شهادت جوان بسیجی، یک ماه پس از درگیری مسلحانه

جوان بسیجی که در جریان بررسی یک پراید مشکوک از سوی سرنشینان آن هدف گلوله قرار گرفته بود، یک ماه پس از این حادثه در بیمارستان به شهادت رسید.

به گزارش همشهری، ۲۲مهرماه امسال ۲نیروی بسیجی حافظ امنیت در یکی از خیابان‌های مشهد به یک خودروی پراید مشکوک شدند برای بازرسی خودرو به راننده آن دستور ایست دادند اما ناگهان یکی از سرنشینان پراید به‌سوی نیروهای بسیجی تیراندازی کرد و به سرعت از آنجا فرار کرد. در این حادثه یکی از بسیجیان به نام حسن براتی بر اثر اصابت گلوله به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شد. از همان روز کادر پزشکی تلاش زیادی برای مداوای این جوان انجام دادند اما پس از یک ماه تلاش صبح دیروز (دوشنبه) با بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های کادر پزشکی جوان بسیجی به شهادت رسید.

حسین براتی، پدر شهید براتی، گفت: فرزند شهیدم در ۲۲مهرماه گذشته در برخورد با اشرار مجروح و پس از یک ماه بستری در بیمارستان امروز صبح در ۳۴سالگی به فیض شهادت نایل شد. این شهید دارای یک دختر ۱۱ساله است. شهادت افتخار بزرگی است که نصیب فرزندم شد. حسن فرزندی بود که عاشق انقلاب و رهبری بود و در همین راه نیز به فیض شهادت رسید.

همچنین فرزند شهید براتی نیز درباره شهادت پدرش گفت: شهادت آرزوی پدرم بود و از اینکه به آرزویش رسیده است، خوشحال هستم. دلم برای پدرم تنگ می‌شود، اما می‌دانم که او در مسیر درستی قدم برداشت و همواره من را نصیحت می‌کرد که از این انقلاب باید دفاع کرد و امیدوارم بتوانم ادامه‌دهنده راه او باشم.

گدایی؛ عاقبت فرار دختر ۱۴ساله از خانه

دوستی دختر ۱۴ساله با پسری جوان در فضای مجازی او را به دردسر بزرگی انداخت. دختر نوجوان به تصور رسیدن به یک زندگی رویایی، طلاهای مادرش را سرقت و از خانه فرار کرد اما مأموران پلیس زمانی او را دستگیر کردند که در خیابان‌ها گدایی می‌کرد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل زنی به دادسرای جنایی تهران رفت و خبر از گم‌شدن دختر ۱۴ساله‌اش داد. وی گفت: دخترم به نام هاله آخرین‌بار برای رفتن به مدرسه از خانه خارج شد اما ظهر هرچه منتظرش بودم برنگشت. نگران شدم و به مدرسه رفتم اما متوجه شدم که او اصلا به مدرسه نرفته و همین موضوع نگرانی‌ام را بیشتر کرد. موبایلش خاموش بود و در پرس‌وجو از دوستانش متوجه شدم که وی به‌تازگی با پسری به نام فرهاد در فضای مجازی آشنا شده بود.

وی ادامه داد: دخترم این اواخر مدام با موبایلش سرگرم بود و هروقت اعتراض می‌کردم می‌گفت در حال انجام تکالیف مدرسه‌اش یا چت‌کردن با دوستانش است. اما آنطور که دوستانش می‌گفتند، او در حال چت‌کردن با فرهاد بوده و این پسر جوان مدام در گوش دخترم می‌خوانده که از خانه فرار کند و نزد او برود.

مادر هاله گفت: بعد از این ماجرا به جست‌وجو در خانه پرداختم و متوجه شدم دخترم تمامی مدارک شناسایی‌اش را با خودش برده است. او همه طلا و جواهرات مرا نیز سرقت کرده بود و حالا نگرانم که مبادا پسری که او را فریب داده، بلایی بر سرش بیاورد.

با این شکایت، تیمی از مأموران پلیس زیر نظر قاضی عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران برای یافتن دختر نوجوان وارد عمل شدند.

بررسی‌ها نشان می‌داد که هاله از طریق اینستاگرام با فرهاد که پسری حدودا ۳۰ساله است آشنا شده و پسر جوان حتی به او پیشنهاد ازدواج هم داده است.

هنوز ردی از هاله به‌دست نیامده بود که مأموران پلیس پایتخت چند روز قبل در یکی از پارک‌ها با دختری که ظاهری نامرتب و ژولیده داشت روبه‌رو شدند. او در حال گدایی بود اما وقتی مأموران به سمت وی رفتند، قصد فرار داشت که دستگیر شد؛ این دختر کسی نبود جز هاله ۱۴ساله.

وی پس از انتقال به اداره آگاهی تهران گفت: با فرهاد در اینستاگرام آشنا شدم و چرب‌زبانی‌هایش موجب شد که فریبش را بخورم. او به من ابراز علاقه کرد و حتی پیشنهاد ازدواج داد. می‌دانستم اگر ماجرا را به مادرم بگویم، مخالفت می‌کند. حتی وقتی به او گفتم که قصد ازدواج دارم عصبانی شد و گفت که باید به فکر درس و مشقم باشم. اما من عاشق فرهاد شده بودم و برای همین وقتی به من گفت طلاهای مادرم را سرقت و از خانه فرار کنم تا با فروش طلاها بتوانیم زندگی رویایی‌مان را بسازیم، قبول کردم.

دختر نوجوان گفت: تمام طلاهای خودم و مادرم را به همراه مدارک شناسایی‌ام برداشتم و از خانه فرار کردم به خیال اینکه قرار است در کنار فرهاد زندگی خوبی داشته باشم اما تمام تصوراتم اشتباه بود. فرهاد طلاها را از من گرفت و گفت در پارک منتظرش بمانم تا او پس از فروش طلاها برگردد. اما رفت و دیگر پیدایش نشد. من هم هیچ آدرس و نشانی‌ای از او نداشتم. ساعت‌ها روی نیمکت پارک منتظرش نشستم اما خبری از فرهاد نشد. از طرفی روی برگشتن به خانه را نداشتم. تصمیم گرفتم به زندگی‌ام پایان بدهم اما ترسیدم. ناچار شدم برای اینکه شکمم را سیر کنم و از گرسنگی نمیرم در پارک و خیابان‌ها گدایی کنم تا اینکه دستگیر شدم.

براساس این گزارش، پس از اظهارات هاله، وی تحویل خانواده‌اش شد و با استقبال آنها به خانه برگشت و تحقیقات کارآگاهان برای دستگیری پسر فریبکار ادامه دارد.